

بچه های خیابانی

* روز مهرشید (یکشنبه) چهاردهم آذر ماه برابر با پنج دسامبر ۲۰۲۱، مانند هر هفته، نشست جبهه همهانگ مبارزان ایران بر پا شد. من هم در کنار یاران هم اندیشان بوم و به گفته های ارزنده ی هر یک از آنان گوش داده و می آموختم. در میان همه ی سخنانی که به میان آمد، دکتر **نصر اصفهانی** گرامی در زمینه ی ناشایستگی های **جمهوری اسلامی** در اداره ی کشور و نابسامانی هایی که آخوندها برای ایران و ایرانی پدید آورده اند، سخنانی بسیار تکان دهنده گفتند. - ایشان بر یکی از دردآورترین رخدادهای سرزمین، انگشت نهادند. - یادآوری به جای ایشان، در باره ی زاده شدن بچه هایی که در پی همخوابگی دختران و زنان ایرانی با مردانی که از دیگر جاها به ایران می آیند و سرنوشت این بیگناهان بود. - این مردان بیشتر از کشورهای عربی و سرزمین های پیرامون شاخابه ی (خلیج) پارس برای خوشگذرانی و تنها برای یک یا دو روز به ایران می آیند. - این یادآوری غم آفرین من را به گذشته های نه چندان دور ایران بُرد. - به زمان پادشاهی دو پادشاه ایرانسان، **رضاشاه بزرگ** و **محمدرضاشاه پهلوی**. - خوب به یاد دارم در آن زمان در **تهران** بخشی بود به نام **شهرنو**. که خانواده ها با دیدی دیگر به آن بخش از شهر نگاه می کردند. آن بخش از شهر جایگاهی بود برای خوشگذرانی مردان. - همه ی زنانی که در آنجا کار می کردند، می بایستی از تندرستی برخوردار می بوده باشند. برای همین هم پزشگانی بودند که هر چند گاه یک بار به آنجا رفته و اگر زنی را بیمار می یافتند به درمان او می پرداختند. کوتاه سخن اینکه همه چیز مهار شده بود.

تاریخچه شهرنو

* سنگ بنای **شهرنو** که به **قلعه** شناخته می شد، در زمان **محمدعلی شاه قاجار** نهاده شد. در آغاز بیشتر تبهکارانی که می خواستند کارهای ناروا انجام دهند، به این بخش که بیرون از دروازه **قزوین** بود می رفتند. - در سال های پایانی پادشاهی **احمدشاه قاجار**، این بخش به محله ی **قجرها** شناخته می شد. در این بخش شیره کش خانه هایی برپا شده بود، که پس از گذشت سالها، هنوز هم اپیونی هایی را در پیاده روهای آن می توان دید. - در زمان پادشاهی **محمدرضاشاه پهلوی** برای پیشگیری از پخش شدن بیماری **سفلیس** دستور داده شد که از کار کردن زنان تن فروش پیشگیری شود و زاغه ها و آلونک های آنجا را با خاک یکسان کرده و آن بخش را نوسازی نمایند. - در انجام این کار زرتشتی نیک کرداری به نام **اریاب جمشید** که از **پارسیان هند** بود، هزینه ی ساختن ده ها خانه را به گردن گرفت تا آن زنان بتوانند با فرزندانشان در آنجا زندگی کنند. جدا از این در همان بخش چند فروشگاه هم برپا کرد تا زنان بی سرپرست سرگرم کار شده و دوباره به بیراهه کشانده نشوند. - **اریاب جمشید** از بازرگانان ایرانی زرتشتی بود که در هند می زیست. * با نوسازی آن راسته همه چیز دگرگون شد. کسانی که از این راه نان می خوردند کار و بارشان خوب شد. به پاس کار نیکی که **اریاب جمشید** کرده بود بخشی از آنجا را **محله جمشید** نامیدند که تا چندی پس از شورش سال ۵۷ پابرجا بود. - ساختن خانه های نو، دو خیابان پهن و اسفالت شده پایه و مایه ی آن شد که نام آنجا را **شهرنو** بگذارند. - به پاس رنجه های **قوام** یکی از خیابان های آن بخش را هم به نام وی نام گذاری کردند.

* در زمان پادشاهی **محمدرضاشاه پهلوی** هنگامی که بانو **مهناز افخمی** مشاور نخست وزیری در امور زنان شد، از وزارت بهداری خواست تا به بهداشت زنانی که در **شهرنو** کار می کردند رسیدگی کرده و در پی درمان بیماری های آنان برآید. همچنین دستور داده شد در **محله جمشید** مهد کودکی برای نگهداری فرزندان ناخواسته و خردسال بر پا شود تا در درازای روز که مادرانشان سرگرم کار هستند این کودکان بیگناه سرگردان نبوده و کسی از آنها نگهداری کند.

* با برپایی جمهوری اسلامی و آغاز بدبختی مردم ایران، به نام اینکه در **شهرنو** زنان تن فروشی می کنند و آیین های اسلامی در آنجا پیاده نمی شود، آنجا را به آتش کشیدند.

سوختن شهرنو

* روز مه شید (دوشنبه) نهم بهمن ۵۷ بود که شورشیان توانستند بخش بزرگی از **تهران** را به آتش کشیده و ویران کنند. در آن روز کارخانه ی **آبجوسازی شمس** در زبانه های آتش سوخت و از میان رفت. روزنامه ی **اطلاعات** فردای آن روز، گزارش خود را چنین می نویسد:

* پیرامون سایه ی شش پس از نیمروز همان روز بود که چند جوان به **قلعه** در **شهرنو** ریختند. پشت سر آنها گروهی هم به پیروی از آنها به خیابان های **قلعه** ریختند. در این آشفته بازار یک گروه با ابزاری که از پیش فراهم کرده بودند خانه ها و فروشگاه های **قلعه** را به آتش کشیدند. برخی از کسانی که در آنجا بودند گواهی دادند، چند زنی که در آنجا زندگی می کردند و کسی به دادشان نرسید، زنده زنده در آتش سوختند. بدینگونه آتش در این **محله غم** چندی زبانه می کشید.

و هیچ کس در پی خاموش کردن آن آتش هرج و مرج و بی بند و باری بر نیامد.

* در آن روز که شهرنو به آتش کشیده شد و چند زن هم، در آتش به گفته ای خشم اسلام، زنده زنده سوختند آیا کسی گمان می کرد که چند سال دیرتر به نام همان اسلام خانه هایی باز شود به نام **خانه ی عفاف!**

shaboneh.com

مژده به همشهریان عزیز

خانه عفاف نور

تنها خانه عفاف قانونی در یزد

بامدیریت و مشاوره سرهنگ

دارای مجوز شماره ۱۳۸۵۳۹

- کلیه بانوان دارای کارت سلامت
- از پذیرش آقایان متاهل معذوریم
- در محیطی امن و آرام
- ساعت پذیرش ۱۴ تا ۲۴
- لطفا جهت پذیرش از قبل هماهنگ کنید

تلفنهای تعیین وقت

آدرس: کوچه داد گستره

تابناک یزد

* آیا جمهوری اسلامی برای کودکانی که در خانه های عفاف از مادرانی بی انگار چشم به جهان می گشایند راه چاره ای اندیشیده است. به گمان من، نه. سرنوشت و آینده ی این کودکان، برای هر ایرانی میهن دوست نگران کننده است. این درد و ده ها درد دیگر هست که پرداختن به آنها کار یک نوشته و دو نوشته نیست. * تنها راهی از همه ی این دشواری، براندازی این رژیم انیرانی است و دیگر هیچ.

نویسنده: ژاله دفتریان

آذر ماه ۲۵۸۰ ایرانی

برابر با دسامبر ۲۰۲۱ ترسایبی

